

از انتشارات هنرهای زیبای کشور

شماره

۸۱

دوره سوم

آبان ۱۳۴۳



سازهای مهجور سانی و مطالعات فرهنگی

نوشته حسینعلی ملاح

درفر هنگها و بعض رسالات تاریخی، نام سازهایی ثبت شده که عموماً توضیحی همراه ندارند از جمله این سازها: آخلکنندو - اقری - بانجو - باتره - باتوغن - جره - جلباره - جناح - چچیق - چرخ - چلب - چهزده - دبوس و سازهای بسیار دیگری است که بتدریج معرفی خواهند شد.

از آنجا که شناسائی این آلات موسیقی که نام پاره‌ای از آنها در دیوانهای شاعران ما نیز آمده است ممکن است راه تازه‌ای برای تحقیق و تتبع بیشتری بگشاید تا آنجا که دریافته‌ام در دسترس علاقه‌مندان مینهم، و انتظار دارم چنانچه محققان دانشمند لغزشی در آنها مشاهده کردند از روی سخاوت و بلند نظری مرا آگاه فرمایند.

محض آنکه روال تحریر متضمن نظمی باشد نام سازها را به ترتیب حروف الفبا اختیار میکنم و مطالب را در حدودی که دامنه تحقیق فراراهم نهاده است بنگارش در می‌آورم.

۱- ابرنجن Abranjan

ابر نجن خلخال یا جلاجل است و آن زنگوله‌های خردی است که رقصان بدستها و پاهای خود می‌بستند و بهنگام پای کوبی ضرب موسیقی یا به اصطلاح موسیقی قدیمی (اصول) را بدان نگاه میداشتند، آنرا که بدست می‌بستند دست ابر نجن یا دست بر نجن و آنرا که بیامی بستند پا ابر نجن یا پا بر نجن مینامیدند. فرهنگ جهانگیری نوشته: «میلی باشد از طلا و نقره و جز آن که زنان در دست و پا کنند و آنرا «اورنجن» یا «اورنجین» نیز خوانند - هرچه در دست کنند دست ابر نجن یا دست ابر نجنین یا دست رنجن و آنچه در پا کنند پا ابر نجن یا پا ابر نجنین نامند.»

فرهنگ اندراج نوشته: «فقیر مؤلف گوید که: چون دست را از سر انگشتان تا ساعد آرنج خوانند میلی که در دست و آرنج افکنده‌اند دست آرنج گفته‌اند و اصل در آن «آرنجن» است یعنی آرنج، و نون در آن برای نسبت یا رابطه.»

منوچهری گفته:

پدید آمد هلال از جانب کوه بسان زعفران آلوده محجن
چنان چون دوسر^۱ از هم باز کرده ز زر سرخ یسکتا دست رنجن
فرهنگ دهخدا برای این ساز نام‌های مختلف و املاهای دگرگون

۱- دوسر بضم اول و نانی غیر معلوم و فتح ثالث و سکون رای قرشت گیاهی است که در میان زراعت گندم و جو روید.

ذکر کرده است که عبارتند از: آورنج - آورنج - آورنجی - اورنج -
ابرنج - خلخال - جلاجل - جلجل - ججل (بافتح اول و ثانی) .
منتهی الارب نوشته: برنج - برنجین - رشیدی گفته: رنج ، ورنج ،
خلخال .

اندراج در مبحث دال آن رادست ورنج ، دست ابرنج - دست اورنج -
دست برنج - دست برجن ، دست ورنج نوشته است .

برهان قاطع نوشته: «دست ابرنج - بفتح همزه بمعنی دست برنج است
که دستینه زنان باشد و آن میلی بوده از طلا و نقره و امثال آن که در دست
کنند». شیخ فریدالدین عطار سروده است .

من از دست دل پر شیون خویش همی پیچم چو دست ابرنج خویش
گاه اوقات به دست ابرنج یادست برنج به اختصار دستبند می گفتند.
اندراج نوشته: «دستبند ، ف ، بمعنی دستینه زنان ، معروف است . دیگر به
معنی رقصی است که دست یکدیگر را گرفته برقصند . حکیم اسدی گفته :

بهر برزن آوای رامشگران بهر گوشه ای دستبند سران
نظامی در صفت عیش و رقص گفته :

ساعتی دستبند میکردند بر سمن ریشخند میکردند
مختاری بمعنی اول گفته :

زارغوان بینی چو دست دلبران پر دست بند
شاخ گل بینی چو گوش نیکوان پر گوشوار
بطور کلی ابرنج و کلیه نامهایی که مشتق از آنست علاوه بر آنکه
یک آلت تزئینی برای بانوان بوده بعنوان یک ساز ضربی نیز شناخته
شده است .

«شافرنر» در کتاب بنیاد آلات موسیقی^۱ به این ساز اشاره کرده و آنرا
«بازنگ» Sonnaillies de Jambes نامیده است، این اصطلاح تقریباً شبیه

André Schaeffner.

- ۱

« Origine des instruments de musique »

پاورنجن فارسی است، شافتر تصویری از چندتن افریقائی ارائه داده که همراه با صدای چفانه و بازنگ در حال رقص هستند .

۲- آخلکندو Akhlakandou

جهانگیری نوشته: «با اول مفتوح به ثانی زده و لام مفتوح ، بازیچه ای



یک افریقائی که بازنگ در پای دارد در حال رقص است (از کتاب بنیاد آلات موسیقی)

باشد مر اطفال را و آن چنان بود که چیزی بسازند مدور از مس یا چوب بمقدار
لیمونی و اندکی از لیمو بزرگتر که میانه اش مجوف باشد و در درونش ریک
بریزند و دسته ای برو تعبیه کنند و بدست اطفال دهند که آنرا بچبایند تا از
آن صدائی ظاهر گردد و بدان مشغول شوند .

شمس فخری فرماید :

ظفر از رایبت دلشاد باشد بسان طفلکان از آخلکنندو
دهخدا بنقل از او بهی آن را آخلکنندو Akhakandou نوشته و
معتقد است: «چیزی باشد از مس یا چوب ساخته ، سرگرد و دسته کوچک داشته
باشد ، و سنگ ریزه بسیار در اندرون او تعبیه کرده ، چون او را چبایند آوازی
دهد و بدست طفلان دهند تا بدان مشغول شوند .»

برهان قاطع نوشته: «بازیچه اطفال را ، و آن چنانست که چیزی بسازند
مدور و میان خالی از مس یا چوب ، بمقدار لیمونی ، یا بزرگتر و در درون آن
سنگ ریزه ریزند و دسته ای بر آن نصب سازند و بدست اطفال دهند ، چون آنرا
بچبایند آوازی از آن بر آید ، بدان مشغول گردند .»

ساکس آلمانی در فرهنگ کامل آلات موسیقی خود نوشته: «آخلکننده
Aghkakande یکنوع ساز ضربی ایرانی است .»

فرهنگ انجمن آرای ناصری آنرا بصورت آخلکنندر Akhlakandar
نوشته و معتقد است: «بازیچه ایست اطفال را ...»

صاحب فرهنگ اندراج آنرا «بازیچه اطفال» نوشته و افزوده است :
«... در برهان بجای رأی مهمله و اونوشته .»

چنانچه این ساز را با چغانه که یکی از آلات موسیقی ضربی باستانی
ایرانیان است از لحاظ چگونگی ساختمان مقایسه کنیم می بینیم که نه تنها تفاوتی
با آن ندارد بلکه سازی است کاملاً همانند و شبیه چغانه ، یگانه اختلاف میان
این دو ساز منحصرأ در نام آنهاست ، چغانه ابتدائی ، عبارت بوده است از یک
جمعیه که دوون آن سنگ ریزه میریخته اند و بهنگام پای کوبی برای حفظ
وزن موسیقی آن را بحر کت در میآوردند ، همین ساز رفته رفته تغییر شکل داده
و بجای جمعیه جنس جعبه مدور آن کدو و یا چوب و یا مس شده است . این ساز

همان است که بعدها بنام چق چقه یا چق چقک بدست اطفال افتاده و هم اکنون درار کسترهای جاز بنام مالا کاس مورد استفاده میباشد .

بنابراین همانطور که ساکس آلمانی اخککنده را که تحریفی است از لفظ آخلکنده و کلمات مشابه آن جزو سازهای ضربی در فرهنگ خود ثبت کرده است ما نیز می باید این ساز را یکی از آلات موسیقی ضربی باستانی ایران منظور نمایم ، با این اندیشه که همچنانکه چغانه پس از طی قرون متمادی سرانجام بازیچه اطفال شد این ساز نیز پس از گذشت زمانهای دراز بالاخره بازیچه اطفال گردیده است .

ارغنون دهنی

میدانید که ارغنون سازی است از خانواده آلات موسیقی بادی. لفظ ارغنون بنا به گفته هانری جرج فارمر و همچنین فرهنگ دهخدا مأخوذ از لفظ یونانی ارگانون Organon میباشد. در فرهنگها و دیوان شاعران به صورتهای مختلف آمده است از قبیل: ارغن ، ارغنا ، ارغوان ، ارغن ، ارغنون آبی ، ارغنون بوقی ، ارغنون زمیری ، ارغنون دهنی .

راجع به ساز ارغنون که ساختمان آن تشکیل میشود از انبانی منفخ و نایهایی چند رسالات و مقالات بسیار نوشته شده و دیگر ضرورتی نیست در این مقال توضیحی راجع به آن داده شود همینقدر کافی است بگویم که ارغنون همان سازیست که امروزه بنام نی انبان یا کرنوموز رواج دارد و هیئت تکمیل شده آن به صورت ارگ (دستی ، پایی ، آبی ، برقی) و آکوردئون هم اکنون در کلیساها و خانهها دیده میشود .

آنچه که درباره اش کمتر سخن گفته شده ارغنون دهنی است که ایرانیان قدیم آن را موسیقار و چینیها شنگ و اروپائیان آن را فلوت پان و ایرانیان عصر جدید به آن ساز دهنی میگویند .

لازم است این نکته را نیز تذکار کنم که بعضی از تاریخ نویسان و محققان و شاعران ارغنون را بصورت یک ساز ضربی معرفی کرده اند .

مثلا خاقانی در بیت ذیل آن را سازی زهی معرفی نموده است :

انگشت ارغنون زن رومی به زخمه بر تب لرزه تننا تننا بر افکند

یا این شعر

در دست ارغنون زن گردون به رنگ و شکل

شب ، موی گشت و مه چو کمان رباب شد

و یا این ابیات از نظامی :

بر او تار این ارغنون بلند

بسازی مغنی ره دلپسند

بتاریک شب روشنائی دهد

رهی کان ز محنت رهائی دهد

همچنین این ابیات از نظامی :

به هشیاری ره مستان همی زد

ستای بار بدستان همی زد

فکنده ارغنون را زخمه ساز

نکیسا چنگ را خوش کرده آواز

حافظ نیز سروده است :

بیر از دلم فکر دنیای دون

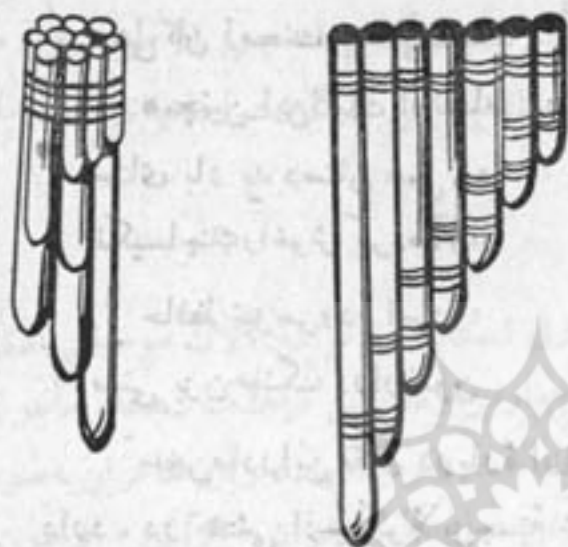
مغنی بزن چنگ در ارغنون

سخن مادر این مقال درباره ارغنون دهنی است که سابقه تاریخی کهنی دارد. در بخشی از پیکره برجسته شکار گوزن (طاق بستان) چند نوازنده ارغنون دهنی حک شده است، این پیکره بر دیوار سوی راست طاق بستان ساخته شده و به سه بخش شده است، در بخش میانی پادشاه را سوار بر اسب نشان داده اند. در قسمت بالا: «رو بروی شاه کسانی را در دو رج ساخته اند، در رج بالا چندین کس نشسته چنگ میزنند و در رج پایین نیز کسانی نشسته کف میزنند و در برابر کسان این دورج چهارتن را ساخته اند که ایستاده بر چیزی مانند خیک، بادهن میدهند.»

آقای دکتر مهدی فروغ در یکی از شماره های سال ۳۶ مجله موسیقی نوشته اند: «دو نقش برجسته مربوط به شکار گوزن در طاق بستان (بغستان) نفر سوم و چهارم از نوازندگان ارغنون دهنی می نوازند. بعضی از مفسران و مورخان، ساز این دو نفر را نی انبان تصور کرده اند ولی اکنون محقق شده که ارغنون دهنی است نه نی انبان، و بعضی هم احتمال داده اند که ساز موسوم به چنگ (باچ مکسور) یا شنگ چینی که در پهلوی آن رامستک مینامند باشد.» در کتابهای لغت، این ساز را تحت همان نام موسیقار معرفی کرده اند، برهان قاطع نوشته است: «موسیقار بروزن بو تیمار سازی است معروف که

آنها از نی های بزرگ و کوچک به اندام مثلث وصل کرده اند و بعضی گویند سازی است که درویشان دارند و بعضی دیگر گویند سازیست که شبانان می نوازند .

شکل این ساز بنا بر گفته برهان قاطع همان است که ساکس آلمانی نیز در فرهنگ کامل آلات موسیقی خود ترسیم کرده است .



ارغنون دهنی یا موسیقار
(ص ۲۸۹ کتاب ساکس)

و اما اشاره ای که آقای دکتر فروغ به شنگ چینی کرده اند آن نیز



بی ماخذ نیست، با این تفاوت که ارغنون دهنی چینی از نی های بلند و کوتاهی ترکیب گشته که شکل ظاهری آن شبیه مثلث نیست و به همین سبب شباهتی با ارغنون دهنی نقش شده بر پیکر برجسته طاقستان ندارد .

ولی قدر مسلم اینست که این دو از لحاظ چگونگی ساختمان همانند هستند . با مشاهده مینیاتور چینی و ارغنون دهنی اخذ شده از روی کتاب

ارغنون دهنی یا ارک دهنی متعلق به چین و آسیای مرکزی (از کتاب شافتر)



مینیا تور چینی (از کتاب شافتر)

شافتر و همچنین عکسی که بنا به سفارش نگارنده آقای مهندس روح الله تاروردی از نقش برجسته طاق بستان برداشته اند .



از نقش برجسته طاق بستان

طرز ساختمان و چگونگی نواختن این ساز کاملاً آشکار میگردد . چنانچه به دقت به نقش برجسته طاق بستان بنگریم و مطالب فوق را مد نظر داشته باشیم و همچنین شنگ چینی و چگونگی ساختمان و طرز نواختن آن را بشناسیم نتایج ذیل را بدست خواهیم آورد .

الف : دو نفر ایستاده از سمت راست در نقش برجسته طاق بستان نای انبان می نوازند .

ب : ممکن است تصور کرد که همین دو نفر ، مشغول نواختن یکنوع ارغنون دهنی هستند که شباهت زیادی به شنگ چینی یا ارغنون دهنی چینی دارد .
ج : دو نفر دیگر مشغول نواختن ارغنون دهنی میباشند که نظیر آن در مینیاتور مربوط به زمان خوارزمشاهیان ترسیم گشته است و این ساز اخیر همان است که برهان قاطع و اندراج وجهانگیری و بسیاری از فرهنگها موسیقار نوشته اند و اروپائیان سیرنکس یا فلوت پان نامیده اند .
د : مطلب قابل ملاحظه در چگونگی ساختمان این ساز، انتخاب نی های مختلف القامت، و قراردادن آنها طبق اصولی در کنار یکدیگر است، با مطالعه تسلسل اصوات در این ساز میتوان به چگونگی برخی از سازهای قدیمی موسیقی ایران پی برد .

دنباله دارد



ژویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی